

# Lesson 22

درس بیست و دوم

SIN AND ITS CONSEQUENCES (Part 1)

گناه و عواقب آن (قسمت اول)

Reading:

Genesis 2 and 3

مطالعه:

پیدایش باب‌های ۲ و ۳



## گناه چیست؟

گناه سرپیچی از فرمان خداست: "هر کس در گناه زندگی می کند برخلاف شریعت عمل می کند؛ گناه به واقع مخالفت با شریعت است" (1 یوحنا 3:4). کتاب بطور واضح نشان می دهد که همه گناهکاریم: "پارسایی نیست، حتی یکی" (رومیان 3:10). عبارتی که کتاب مقدس برای گناه استفاده می کند "از دست دادن نشانه" است. یک کماندار ممکن است هنگام پرتاب تیر نشانه ای را که در نظر گرفته بود، از دست بدهد. ما نیز همین گونه هستیم. وقتی گناه می کنیم نشانه را از دست می دهیم. نشانه مثال کاملی است که توسط عیسی مسیح برای ما مشخص شده است. او استانداردهای خدا را با روش زندگی خود به ما نشان داد. مثال او هدفی است که باید برای زندگی خود در نظر بگیریم. وقتی از استانداردهای خدا دور می شویم گناه می کنیم: "زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند" (رومیان 3:23). اکثر ما مرتکب جرایم بزرگی از قبیل قتل، زنا و دزدی نشده ایم. پس خود را گناهکار نمی دانیم و بر این باوریم که انسان های خوبی هستیم و نزد خدا قابل قبولیم. ما خودمان را فریب می دهیم. هر وقت که نشانه را از دست بدهیم، چه کم و چه زیاد، گناه کرده ایم. "هر عمل نادرستی گناه است..." (1 یوحنا 5:17). غلاطیان باب 5 فهرستی از گناهان را فراهم کرده است که شامل خشم، حسد، مستی و تمام ناراستی هایی که ما آن را گناه به حساب نمی آوریم، می شود.

## What is sin?

Sin is disobedience to God's laws: "Everyone who makes a practice of sinning also practises lawlessness; sin is lawlessness" (1 John 3:4). Scripture is clear that we are all sinners: "None is righteous, no, not one" (Romans 3:10). The word that the Bible often uses for 'sin' means 'miss the mark'. An archer shooting arrows at a target often misses the mark he is aiming for. We are like this when we sin – we miss the mark. The mark is the perfect example set by the Lord Jesus. He showed us God's standard in the way he lived. His example is the target we should aim for in our lives. We sin when we fail to live up to God's standard: "... all have sinned and fall short of the glory of God" (Romans 3:23). Most of us have not committed terrible crimes like murder, adultery or theft, and so we excuse ourselves and think that we are good people and acceptable to God. We deceive ourselves. Whenever we miss the mark, by a little or by a lot, it is sin: "All wrongdoing is sin" (1 John 5:17). Galatians 5 provides a list of sins that includes envy, anger, drunkenness and other wrong doings that often we do not even consider to be sins.

We should note the warning – we cannot do these things and expect to be in God's kingdom! "Now the works of the flesh are evident: sexual immorality, impurity, sensuality, idolatry, sorcery, enmity, strife, jealousy, fits of anger, rivalries, dissensions, divisions, envy, drunkenness, orgies, and things like these. I warn you, as I warned you before, that those who do such things will not inherit the kingdom of God" (Galatians 5:19-21).

Telling lies and speaking foolishly are also sins: "But now you must put them all away: anger, wrath, malice, slander, and obscene talk from your mouth. Do not lie to one another, seeing that you have put off the old self with its practices" (Colossians 3:8,9).

When we do these things we sin. All sin is against God, for it is His laws that we disobey. God is totally sinless, and our sin separates us from Him (Isaiah 59:2). Sin is not just doing wrong things. We also sin when we fail to do what is right:

"So whoever knows the right thing to do and fails to do it, for him it is sin" (James 4:17). Reading our Bible, being generous and other acts of kindness, like visiting the sick and helping others, please God. We should try to give God glory in our lives.

باید به هشدارها دقت کنیم. با وجود ادامه این اعمال نمی‌توانیم در پادشاهی خدا حضور داشته باشیم. "اعمال نَفْس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی و هرزگی؛ بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه بیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد" (غلاطیان 5: 19-21).

گفتن سخن باطل و دروغ نیز گناه محسوب می‌شود: "اما اکنون باید همه اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود. به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسانِ قدیم را با کارهایش از تن به در آورده‌اید" (کولسیان 3: 8-9).

وقتی مرتکب این اعمال می‌شویم یعنی گناه کرده‌ایم و بر ضد خدا هستیم. زیرا از فرمان او سرپیچی می‌کنیم. خدا کاملاً بی‌گناه است و ما با گناه کردن، خود را از او جدا می‌کنیم (اشعیا 59: 2). گناه فقط اعمال اشتباه نیست، وقتی کار درست را انجام نمی‌دهیم نیز گناه کرده‌ایم.

"بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است" (یعقوب 4: 17).

خواندن کتاب مقدس، بخشنده بودن و مهربانی، ملاقات بیماران و کمک به دیگران، خدا را خشنود می‌سازد. ما باید تلاش کنیم تا در زندگی خود به خدا جلال بخشیم.

## Human desires (lust)

We are born with basic desires for the survival of the human race built into us. For example, we need to feel hungry; but our hunger should not turn to greed. Sex is a natural part of marriage, but if our desire for sex becomes distorted and we seek sex outside marriage, we sin. When we become selfish and ignore God's ways we fail. We need to control our desires, or they will lead us astray: "What causes quarrels and what causes fights among you? Is it not this, that your passions are at war within you? You desire and do not have, so you murder. You covet and cannot obtain, so you fight and quarrel. You do not have, because you do not ask. You ask and do not receive, because you ask wrongly, to spend it on your passions. You adulterous people! Do you not know that friendship with the world is enmity with God? Therefore whoever wishes to be a friend of the world makes himself an enemy of God" (James 4:1-4).

## خواسته‌های انسانی (شهوات)

ما به همراه خواسته‌های اساسی برای بقای نسل بشریت در درونمان دنیا آمده‌ایم. برای مثال احتیاج به حس گرسنگی داریم، اما گرسنگی ما نباید تبدیل به حرص شود. روابط جنسی طبیعی است و قسمتی از ازدواج می‌باشد. اما اگر خواسته‌های ما خارج از غالب ازدواج باشد و به رابطه‌هایی بیرون از ازدواج پناه ببریم، گناه کرده‌ایم. وقتی خودخواه شویم و راه خود را فراموش کنیم، گناه می‌کنیم. ما باید خواسته‌های خود را کنترل کنیم و در غیر اینصورت گمراه می‌شویم:

"از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، اما باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، اما به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید. آنگاه نیز که درخواست می‌کنید، نمی‌یابید، زیرا با نیت بد درخواست می‌کنید تا صرف هوس رانیهای خود کنید. ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد" (یعقوب 4: 1-4).

We need to see ourselves in the way God sees us. "Every way of a man is right in his own eyes, but the LORD weighs the heart" (Proverbs 21:2). "The heart is deceitful above all things, and desperately sick ..." (Jeremiah 17:9). It is only when we see how sinful we are that we realise how much we need God's salvation.

## Where did sin come from?

Where did sin come from? In the beginning God created the first man, Adam. He was formed of dust from the ground:

"... the LORD God formed the man of dust from the ground and breathed into his nostrils the breath of life, and the man became a living creature" (Genesis 2:7). God placed Adam in the beautiful Garden of Eden and provided a wife for him. God gave Adam one simple law: "You may surely eat of every tree of the garden, but of the tree of the knowledge of good and evil you shall not eat, for in the day that you eat of it you shall surely die" (Genesis 2:16,17). Adam and Eve could choose for themselves whether to obey God's law or not. They could choose to be faithful to God, or disobey Him and eat of the forbidden fruit. They were created with free will. God had not made 'puppets' with no choice of their own.

ما باید خود را همانطور که خدا می‌بیند ببینیم. "همه راههای انسان در نظر خودش درست است اما خداوند است که دلها را می‌آزماید" (امثال 21:2). "دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار بیمار..." (ارمیا 17:9). تنها زمانی متوجه نیاز خود به رستگاری می‌شویم که به گناهکار بودن خود پی برده باشیم.

## گناه از کجا به وجود آمد؟

ابتدا خدا اولین مرد، یعنی آدم را خلق کرد. او از خاک زمین شکل گرفت. "آنگاه یهوه خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی او نفس حیات دمید و آدم موجودی زنده شد" (پیدایش 2:7).

خدا آدم را در باغ زیبای عدن قرار داد و برای او همسری آورد. خدا به آدم تنها یک دستور ساده داد: "و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد" (پیدایش 2:16-17).

آدم و حوا برای پیروی از فرمان خدا قدرت انتخاب داشتند. آنها می‌توانستند ایمان به خدا را انتخاب کنند و یا از فرمان او سرپیچی کرده و میوه درخت ممنوعه را بخورند. آنها با قدرت اختیار خلق شده بودند. خدا صرفاً عروسکی بدون قدرت اختیار خلق نکرد.



God wanted them willingly to choose for themselves His way because of their love and respect for Him. The serpent was just an animal that God allowed to speak. It lied to Eve. It said that Adam and Eve would not die if they ate the forbidden fruit, but that instead they would become like gods, knowing good and evil. The serpent did not force Eve to take the fruit – both Adam and Eve were created with free will. They chose for themselves to disobey God and eat of the fruit, and so they sinned.

## Death is the punishment for sin

God had told Adam that he would be punished by death if he disobeyed. So Adam and Eve were condemned to death. Adam and Eve did not die immediately but became mortal (dying creatures). They would experience hard work, tiredness and suffer illness, before finally dying. Adam's death was no different from ours. We are all descended from Adam and inherit his nature, and we too die because of our sins: "Therefore, just as sin came into the world through one man (Adam), and death through sin, and so death spread to all men because all sinned ..." (Romans 5:12).

هدف خدا این بود که آنها راه او را با قدرت خود و از روی عشق و احترام انتخاب کنند. مار تنها یک حیوان بود که خدا به او اجازه صحبت داد. او به حوا دروغ گفت، مار به آنها گفت که اگر میوه ممنوعه را بخورند، نخواهند مرد و در عوض همانند خدا عارف نیک و بد خواهند شد. مار برای خوردن میوه به حوا اصرار نکرد. آدم و حوا هر دو قدرت اختیار داشتند. نافرمانی از خدا و خوردن میوه ممنوعه انتخاب خودشان بود. بنابراین مرتکب گناه شدند.

## مرگ مجازات گناه است

خدا به آدم گفته بود که اگر سرپیچی کند با مرگ مجازات می شود. پس هر دو محکوم به مرگ شدند. آدم و حوا طی مرور زمان تبدیل به موجوداتی فانی شدند و پس از آن کار سخت و خستگی را تجربه کردند و قبل از مرگ از بیماری رنج بردند. مرگ آدم هیچ تفاوتی با مرگ ما نداشت. ما همه از نوادگان آدم هستیم و ذات او را داریم و ما نیز به خاطر گناهانمان می میریم: "پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد و به واسطه گناه، مرگ آمد و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان 5: 12).

## مرگ چیست؟

بعد از گناه آدم، خدا گفت:

"... تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چرا که تو خاک هستی و به خاک بازخواهی گشت" (پیدایش 3: 19).

خدا آدم را از خاک زمین ساخت. پس از مرگ آدم و حوا بدنشان پوسیده شده و به خاک تبدیل شد. هیچ بخشی از بدنشان به حیات خود ادامه نداد. مرگ مجازات خدا برای گناه و همچنین پایان زندگی می باشد. آیات زیر نشان می دهد که زمان مرگ ما چه اتفاقاتی می افتد. این آیات نشان می دهد کسانی که مردند نمی توانند فکر کرده و چیزی را حس کنند. آنها دیگر وجود ندارند.

## What is death?

After Adam sinned, God said,

“you are dust, and to dust you shall return”  
(Genesis 3:19).

God had created Adam of the dust from the ground. When Adam and Eve died, their bodies decayed and returned to dust. No part of them continued to live. Death is God’s punishment for sin, and death is the end of life and consciousness. The following verses show what happens when we die. They show that dead people cannot think or feel anything – they no longer exist.

REFERENCE	PASSAGE متن	آیات
Psalm 146:4	<p>چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیرهایش نابود می‌شود.</p> <p><b>When his (man's) breath departs he returns to the earth; on that very day his plans perish.</b></p>	مزامیر 4 :146
Ecclesiastes 9:5	<p>از آن رو که زندگان می‌دانند که خواهند مرد، اما مردگان هیچ نمی‌دانند و ایشان را دیگر پاداشی نیست، زیرا که یادشان فراموش می‌شود.</p> <p><b>For the living know that they will die, but the dead know nothing, and they have no more reward, for the memory of them is forgotten.</b></p>	جامعه 5 :9
Psalm 6:5	<p>زیرا مردگان، تو را یاد نتوانند کرد. کیست که درهاویه تو را بستاید؟</p> <p><b>For in death there is no remembrance of you (God); in Sheol (the grave) who will give you praise?</b></p>	مزامیر 5 :6
Psalm 39:13	<p>دیده از من برگیر، تا دیگر بار لبخند بر لبان آرم پیش از آنکه رخت بربندم و دیگر نباشم.</p> <p><b>Look away from me, that I may smile again, before I depart and am no more!</b></p>	مزامیر 13 :39
Psalm 115:17	<p>مردگان نیستند که خداوند را می‌ستایند و نه آنان که به دیار خاموشی فرو می‌روند.</p> <p><b>The dead do not praise the LORD, nor do any who go down into silence.</b></p>	مزامیر 17 :115



When God told King Hezekiah that he was going to die, Hezekiah was sad. He wanted to stay alive because he knew that there was nothing in death. He said: "For Sheol (the grave) does not thank you; death does not praise you; those who go down to the pit do not hope for your faithfulness" (Isaiah 38:18). Hezekiah knew that when he died he would not be able to praise God. This is why he said in verse 19, "The living, the living, he thanks you". We are told that King David did not go to heaven when he died (Acts 2:34), even though he is described as a man after God's own heart. None of us will go to heaven when we die. We will all go to the grave where our bodies will decay.

## 'Soul' means 'life', 'person', 'creature'

The word 'soul' often occurs in older versions of the Bible like the Authorised (King James) Version. Many people wrongly think that part of them never dies – and they call this the soul. They believe that their soul will go to heaven when they die – they think that it is immortal (cannot die). But the Bible never talks about immortal souls – the phrase 'immortal soul' is not found in the Bible. There is no immortal or 'divine spark' in man.

وقتی خدا حزقیای پادشاه را از مرگش مطلع ساخت او بسیار غمگین شد. او می‌خواست زنده بماند چون می‌دانست در مرگ نابودی است. او گفت: "زیرا که‌هاویه سپاس تو نتواند گفت و مرگ تو را نتواند ستود. آنان که به گودال فرو می‌شوند به امانت تو امید نتوانند داشت" (اشعیا 38: 18).

حزقیای می‌دانست که پس از مرگش قادر به ستایش خدا نخواهد بود. به همین خاطر در آیه 19 گفت: "زندگان، آری زندگانند که تو را سپاس می‌گویند".

به ما گفته نشده که داوود پادشاه بعد از مرگش به آسمان رفت (اعمال رسولان 2: 34). با وجود اینکه او دلخواه خدا خوانده شده بود. هیچ کدام از ما پس از مرگ به آسمان نمی‌رویم. ما به قبر می‌رویم، جایی که جسم مان پوسیده می‌شود.

## هیچ "روح فناپذیری" وجود ندارد

کلمه روح اغلب در کتاب مقدس به چشم می‌خورد. افراد زیادی به اشتباه بر این باورند که قسمتی از آنان هرگز نمی‌میرد (و آن را روح می‌نامند). آنها اعتقاد دارند روح‌شان پس از مرگ به آسمان می‌رود و گمان می‌کنند که روح فناپذیر است (نمی‌میرد). اما کتاب مقدس هرگز از روح فناپذیر سخن نگفته است. واژه "روح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی‌شود، هیچ جاودانگی و یا "جرقه‌ای خدایی" در انسان‌ها وجود ندارد.

There is nothing that continues to live after a person dies.

#### Notice

This all proves what Ecclesiastes 3:19,20 says: "For what happens to the children of man and what happens to the beasts is the same; as one dies, so dies the other. They all have the same breath, and man has no advantage over the beasts, for all is vanity. All go to one place. All are from the dust, and to dust all return". There is no difference in death between a man and an animal. Death is the end of life for them both – they no longer exist after death.

We are all condemned to death because of sin. We do not live on after death. Some believe that their spirit will enter another person, or an animal, or some object after they die. This is not Bible teaching. If there is some form of existence after death, then there would have been no need for Jesus to die for us. But the Bible tells us we that have no hope of life apart from Christ. If we do not understand this, then we will never appreciate the way in which Jesus suffered and died to set us free from sin.

هیچ بخشی از انسان وجود ندارد که پس از مرگ به زندگی ادامه دهد. تنها بدن انسان است و پس از مرگ بدن زنده نمی ماند.

#### توجه

آیاتی که در بالا دیدید این موضوع را نشان می دهد. همه این ها چیزی را که در جامعه 3: 19-20 به ما گفته شده است را ثابت می کند: "زیرا که وقایع بنی آدم مثل وقایع بهایم است برای ایشان یک واقعه است؛ چنانکه این می میرد به همانطور آن نیز می میرد و برای همه یک نفس است و انسان بر بهایم برتری ندارد چونکه همه باطل هستند. همه به یکجا می روند و همه از خاک هستند و همه به خاک رجوع می نمایند" (جامعه 3: 19-20).

میان مرگ یک انسان و حیوان هیچ تفاوتی وجود ندارد. مرگ پایان زندگی برای هر دوی آنهاست. پس از مرگ هیچ کدام از آنها وجود ندارند.

همه ما به خاطر گناه به مرگ محکومیم. پس از مرگ زندگی نمی کنیم. بعضی بر این باورند که روحشان پس از مرگ وارد جسم یک شخص دیگر و یا یک حیوان و یا یک شی می شود. این از تعالیم کتاب مقدس نیست. اگر بعد از مرگ حیات وجود داشت، پس هیچ نیازی به فداکاری مسیح برای ما نبود. اما کتاب مقدس به ما می گوید که ما به غیر از مسیح هیچ امید زندگی نداریم. اگر این واقعیت را درک نکنیم پس هرگز متوجه عذابی که مسیح بخاطر ما متحمل شد نمی شویم. مسیح مرد تا ما را از مرگ رهایی بخشد.

## خلاصه Summary

- ❖ Sin is disobedience to God's laws and failing to live up to His standards.
- ❖ God made Adam of the dust from the ground and caused him to live by breathing into his nostrils the breath of life.
- ❖ God gave Adam a commandment. Adam and Eve were created with free will and could choose for themselves whether to obey God.
- ❖ Adam and Eve disobeyed God and became dying creatures. Death is the punishment for sin.
- ❖ We are all descended from Adam and so we inherit his nature. We all sin and so we all deserve to die.
- ❖ Death is the end of all life processes. Dead people cannot think or feel anything. There is no part of a person which goes on living after death.
- ❖ The word 'soul' means 'life', 'person', 'creature'. It is used of people and animals. The phrase 'immortal soul' is not found in the Bible.

- ❖ گناه سرپیچی از فرامین خدا و شکست خوردن در راه درست اوست.
- ❖ خدا آدم را از خاک زمین آفرید، در بینی او دمید تا به او زندگی بخشد.
- ❖ خدا به آدم یک فرمان داد. آدم و حوا با قدرت اختیار خلق شدند و قابلیت انتخاب در اطاعت کردن از خدا را داشتند.
- ❖ آدم و حوا از خدا سرپیچی کرده و تبدیل به موجودات فانی شدند. مرگ مجازات گناه است.
- ❖ ما همه از نوادگان آدم بوده و ذات او را به ارث برده‌ایم. همه گناهکار و لایق مرگ می‌باشیم.
- ❖ مرگ پایان زندگیست. مردگان قادر به تفکر و یا احساس کردن نیستند. هیچ قسمتی از انسان بعد از مرگ به زندگی ادامه نمی‌دهد.
- ❖ عبارت "روح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی‌شود.



مزامیر 4:146

"چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیرهایش نابود می‌شود"

Psalm 146:4

"When his breath departs he returns to the earth; on that very day his plans perish"

Isaiah 38

اشعیا باب ۳۸

